

پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تحمل پریشانی و حسادت زناشویی

Prediction of Marital Satisfaction and Attachment Styles with the Mediating Role of Distress Tolerance and Marital Jealousy

Negar Lotfi, MSc

Abbas Javaheri-Mohammadi, PhD[✉]

Mohammad-Hassan Asayesh, PhD

نگار لطفی^۱

عباس جواهری محمدی^۲

محمدحسن آسایش^۱

Abstract

Marital satisfaction is one of the important factors affecting the strength of couples' life together and, consequently, the health of families. Therefore, it is important to examine the factors related to marital satisfaction. Therefore, the aim of the present study is to predict marital satisfaction based on attachment styles with the mediation of distress tolerance and marital jealousy. This study is quantitative and with a fundamental purpose, and in terms of data collection, it is a descriptive correlational study with the structural equation model method. According to Kline (2023), the minimum appropriate sample size for the structural equation model is 200 people, and in accordance with the research background of the present study, the sample size was considered to be about 200 people; For this purpose, 205 married individuals in Tehran, aged 22-55 years, who had been married for at least two years, completed the Hazan and Shaver adult attachment styles inventory (1987, AAI), the Enrich Marital Satisfaction Short Form (1989, ENRICH), the Simmons and Gaher Distress Tolerance Scale (2005, DTS), and the multidimensional jealousy scale (1989, MJS) online using convenience sampling. The research data were analyzed using SPSS-26 and AMOS-24 software. The results of the study showed that the research model has a good fit and attachment styles can directly and indirectly predict marital satisfaction through distress tolerance and marital jealousy (the effect size for attachment paths to marital satisfaction including secure 0.28, avoidant -0.23, anxious -0.29, for attachment paths to distress tolerance including secure 0.50, avoidant -0.32, anxious -0.36, for distress tolerance path to marital satisfaction 0.33 and marital jealousy to marital satisfaction -0.13, and finally for attachment paths to marital jealousy including secure 0.30, avoidant -0.34, and anxious -0.15). From the results of this study, it can be concluded that understanding attachment styles, the importance of distress tolerance and their effects on individuals' behavior and emotions, as well as marital jealousy as an important and significant issue in

چکیده

رضایت زناشویی از عوامل مهم اثرگذار بر استحکام زندگی مشترک زوجین و در نتیجه سلامت خانواده‌ها است. به همین جهت بررسی عوامل مرتبط با رضایت زناشویی حائز اهمیت است. لذا هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تحمل پریشانی و حسادت زناشویی است. این پژوهش، کمی و با هدفی بنیادی است و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی با روش مدل معادلات ساختاری است. طبق نظر کلاین (۲۰۲۳)، حداقل حجم مناسب نمونه برای مدل معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر است، همچنین مطابق با پیشینه پژوهشی مطالعه حاضر، حجم نمونه حدود ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شده بود؛ به همین منظور ۲۰۵ نفر از افراد متأهل در شهر تهران در بازه سنی ۲۲-۵۵ سال که حداقل دو سال از ازدواج‌شان گذشته بود به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، به صورت آنلاین سیاه‌های سبک‌های دلبستگی هازان و شیور (AAI، ۱۹۸۷)، فرم کوتاه‌شده رضایت زناشویی انریچ (ENRICH، ۱۹۸۹)، مقیاس تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (DTS، ۲۰۰۵) و مقیاس چندبعدی حسادت (MJS، ۱۹۸۹) را تکمیل کردند. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS-26 و AMOS-24 تحلیل شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است و سبک‌های دلبستگی می‌توانند رضایت زناشویی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق تحمل پریشانی و حسادت زناشویی پیش‌بینی کنند (اندازه اثر برای مسیرهای دلبستگی به رضایت زناشویی شامل ایمن ۰/۲۸، اجتنابی ۰/۲۳، اضطرابی ۰/۲۹-، برای مسیرهای دلبستگی به تحمل پریشانی شامل ایمن ۰/۵۰، اجتنابی ۰/۳۲-، اضطرابی ۰/۳۶-، برای مسیر تحمل پریشانی به رضایت زناشویی ۰/۳۳ و حسادت زناشویی به رضایت زناشویی ۰/۱۳- و در نهایت برای مسیرهای دلبستگی به حسادت زناشویی شامل ایمن ۰/۳۰-، اجتنابی ۰/۳۴ و اضطرابی ۰/۱۵- است). از نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که درک سبک‌های دلبستگی، اهمیت تحمل پریشانی و تأثیرات آنها بر رفتار و احساسات افراد و همچنین حسادت زناشویی به عنوان مسئله‌ای مهم و قابل توجه

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۳ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

۱. گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

married life, can help couples establish more effective communication, increase the quality of their relationship, and ultimately be more satisfied with their relationship.

Keywords: Marital Satisfaction, Attachment Styles, Distress Tolerance, Marital Jealousy

در زندگی زناشویی، می‌تواند به زوجین کمک کند تا ارتباطات مؤثرتری برقرار کرده و کیفیت رابطه خود را افزایش دهند و در نهایت رضایت بیشتری از رابطه خود داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، سبک‌های دلبستگی، تحمل پریشانی، حسادت زناشویی

مقدمه

ازدواج که بنیاد تشکیل خانواده است، اثرات مثبت زیادی برای فرد و جامعه دارد زیرا که ساختار ابتدایی ارتباط خانوادگی و رشد و تربیت نسل‌های آینده را شکل می‌دهد (نیک منش و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهش‌ها نشان داده است که افراد متأهل سلامت جسمی و روانی بالاتری نسبت به مجردها یا کسانی که طلاق گرفته‌اند، دارند. آنها بهزیستی روانی بیشتری دارند و دچار تنش‌های روانی کمتری می‌شوند، به میزان کمتری از افسردگی رنج می‌برند، از سیگار و الکل به میزان کمتری استفاده می‌کنند (بوکوالا، ۲۰۱۱؛ سالوادور و همکاران، ۲۰۲۰)، آمار خودکشی در بین‌شان کمتر است (کلودزی-سارزینسکا و همکاران، ۲۰۱۹) و نیز طول عمر بیشتری دارند (مرنیتز و کمپ داش، ۲۰۱۶). روابط زناشویی همیشه شاد و پایدار نیستند و برخلاف پیامدهای مثبت بسیاری که تشکیل خانواده دارد، براساس سالنامه آماری کشور در سال ۱۴۰۲ تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در ایران به ۴۸۱۳۹۵ مورد کاهش یافته است، درحالی‌که تعداد طلاق‌ها به ۲۰۲۱۸۳ مورد افزایش یافته است (سالنامه آماری کشور، ۱۴۰۳). بنابراین با شروع زندگی مشترک، رضایت زناشویی به متغیری مهم در ارتباط با کیفیت ازدواج تبدیل می‌شود (ویسمن و همکاران، ۲۰۱۸). هاکنیز (۲۰۰۲) رضایت زناشویی را احساس لذت و خشنودی زن و شوهر هنگامی که تمامی زوایای زندگی مشترک و ازدواج‌شان را در نظر گرفته‌اند، تعریف می‌کند.

از آنجا که فرایندهای بین‌فردی، درون‌فردی و محیطی در رضایت زناشویی و پیچیدگی‌های روابط زناشویی نقش دارند، کاوش مداوم عوامل مرتبط با رضایت زناشویی دارای اهمیت است (براندو و همکاران، ۲۰۲۰). بعضی از پژوهش‌ها به این پرسش پاسخ داده‌اند که: «تجارب ابتدایی افراد در دوره کودکی چگونه بر تجارب آنها در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد؟ (فلاح‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها در این باره، نظریه دلبستگی (attachment) است. به عقیده بالبی (۱۹۶۹)، دلبستگی یعنی تجارب اولیه و ابتدایی فرد، همان پیوند هیجانی-عاطفی به نسبت پایداری که میان کودک و مادر و یا مراقبان اولیه او به وجود می‌آید. پیوند دلبستگی بین مادر و کودک به شکل روابط صمیمانه و عاشقانه بزرگسالی به فرد منتقل می‌شود و از همان دوره نوزادی تا بزرگسالی بر شناخت، رفتار و هیجانات او تأثیر می‌گذارد (فرالی و شیور، ۲۰۱۸). از نظر دیدگاه دلبستگی رضایت کلی از رابطه زمانی به دست می‌آید که شریک زندگی فرد به طور مؤثر نیازهای نزدیکی و پناهگاه امن را برآورده کند. در مقابل، نارضایتی از رابطه، ناشی از ناامنی‌ها و نگرانی‌های مربوط به دلبستگی است (شیور و میکولینسر، ۲۰۰۷). افراد با سبک دلبستگی ایمن، به همسر خود اعتماد بسیاری داشته و انعطاف‌پذیری، استقلال و خودکارآمدی بیشتری دارند؛ که به واسطه آن ارتباطات زناشویی بهبود می‌یابد اما افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به دلیل ماهیت استقلال عاطفی خود و اجتناب از روابط عاشقانه از مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کمتری برخوردارند و دیگران را قابل اعتماد نمی‌دانند که در نهایت منجر به کم شدن رضایت زناشویی آنها می‌شود (قربان‌پورلغمانی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین افراد با سبک دلبستگی اضطرابی تمایل دارند روابط را از دریچه اضطراب و ترس ببینند، استقلال خود را نادیده بگیرند و از ترس‌رهایی یا بی‌مهری به همسرشان بچسبند، که این ناامنی در نهایت منجر به کاهش صمیمیت و رضایت در روابط زناشویی می‌شود (بدیر و همکاران، ۲۰۲۰).

بالبی (۱۹۶۹)، اظهار کرد که ماهیت اولین رابطه عاطفی و صمیمی، مدل کاری درونی (internal working model) فرد را از حیستی و چگونگی یک رابطه عاطفی نزدیک شکل می‌دهد و بر ماهیت روابط عاطفی نزدیک فرد در طول زندگی اثر می‌گذارد. یعنی به واسطه رابطه دلبستگی محور، نوزادان مدل کاری درونی متشکل از خودپنداره‌ها و چارچوبی پایدار برای ارزیابی خود و دیگران در ارتباطات نزدیک از دوران نوزادی تا بزرگسالی ایجاد می‌کنند. همچنین او تصریح کرد که پیوندهای عاطفی اولیه با مراقبان نه تنها بر بازنمایی درونی از دیگران (مثلاً به عنوان در دسترس یا غیرقابل دسترس هنگام نیاز) بلکه بر بازنمایی درونی از خود (مثلاً به عنوان شایسته یا نالایق بودن) تأثیر می‌گذارد. بنابراین، علی‌رغم تغییر در نگاره‌های دلبستگی کلیدی در طول عمر از والدین در دوران کودکی، تا همسالان در نوجوانی و شرکای عاشقانه در بزرگسالی، استراتژی‌ها و تجربیات دلبستگی اولیه هم‌چنان بر روابط بعدی تأثیر می‌گذارند

(هازان و شیور، ۱۹۸۷). عزیزی و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی در ارتباط با رضایت زناشویی و سبک دلبستگی با نقش میانجی‌گر ذهنی‌سازی و دزدگی به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی زوجین (ایمن یا اجتنابی) و سایر متغیرهای مؤثر بر دلبستگی، یعنی ذهنی‌سازی و دزدگی می‌توانند بر رضایت زناشویی زوجین تأثیر بگذارند.

در این میان نقش هیجان‌ات در سازگاری با رویدادهای استرس‌زا و تغییرات زندگی نباید نادیده گرفته شود (کروم و همکاران، ۲۰۲۰). به گفته لئوپولد و کالمیچین (۲۰۱۶)، آشفتگی‌ها و پریشانی‌های هیجانی زوجین به دشواری در مدیریت رابطه خود، دزدگی و کاهش رضایت زناشویی منجر می‌شود. در این زمینه تحمل پریشانی به متغیری مهم در رویارویی با پریشانی‌های زندگی زوجی بدل می‌شود. تحمل پریشانی (distress tolerance) ماهیتی چند بعدی دارد که شامل توانایی تحمل، ارزیابی و پذیرش یک حالت عاطفی، روش تنظیم هیجانی فرد، میزان جذب توجه فرد توسط هیجان‌ات منفی و میزان مشارکت آن در اختلال در عملکرد است (لیرو و همکاران، ۲۰۱۰). در واقع تحمل پریشانی به توانمندی ارزیابی فرد و کسب آگاهی از وضعیت کنونی هیجان‌ات بدون اقدام به تغییر، کنترل و مدیریت آنها برای تجربه و مقاومت در برابر رنجش‌های هیجانی اشاره دارد (وایلد و همکاران، ۲۰۲۴). آتش‌پور و دلفروزی (۱۴۰۳)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش میانجی‌گر تحمل پریشانی در رابطه بین شیوه‌های حل تعارض با سازگاری زناشویی در زنان متأهل به این نتیجه رسیدند که با افزایش تحمل پریشانی، سازگاری زناشویی زوجین افزایش می‌یابد و موجب افزایش رضایت فرد از زندگی مشترک می‌شود.

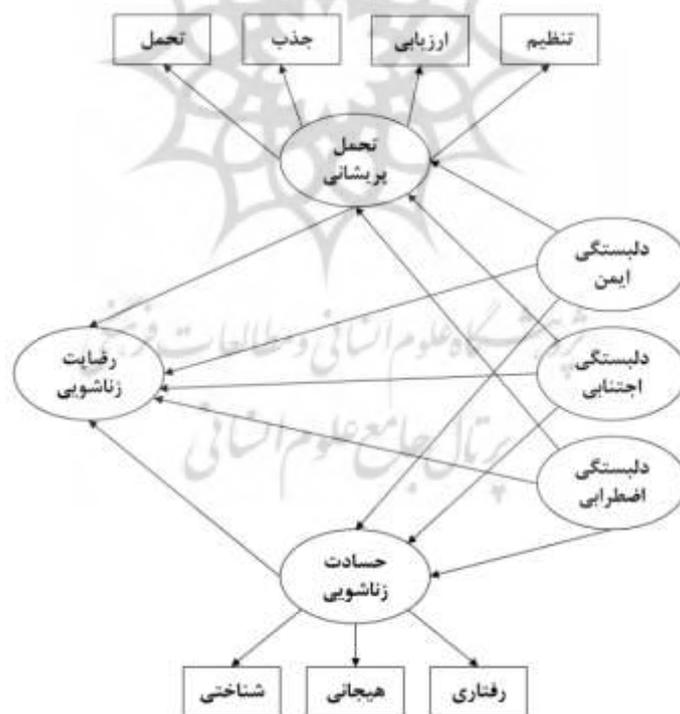
تجارب استرس‌زای فرد در کودکی، حساسیت او را به عوامل استرس‌زا در آینده افزایش می‌دهد، بنابراین دلبستگی از مهم‌ترین عواملی است که بر تحمل پریشانی تأثیر می‌گذارد (تخیری و همکاران، ۱۴۰۰). افراد با دلبستگی ایمن بهتر می‌توانند رخدادهای منفی را مدیریت کنند؛ زیرا از در دسترس بودن اطرافیان به هنگام نیاز اطمینان دارند (قدیمی و بیرامی، ۱۴۰۲). در حالی که در افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به علت نبود راحتی با برقراری رابطه، در موقعیت‌های تنش‌زا کمتر بر همسر خود به‌عنوان منبع حمایتی مطمئن تکیه می‌کنند و به همین دلیل از حمایت عاطفی برای کمک به سازگاری با پریشانی، بی‌بهره می‌مانند (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۹) و در افراد با سبک دلبستگی اضطرابی ممکن است به دلیل وجود ویژگی‌هایی چون تکانش‌وری، تخاصم، تعارض و تردید نسبت به موقعیت‌های استرس‌زا و پریشان‌کننده آسیب‌پذیر باشند (کسیدی و شیور، ۱۹۹۹).

علاوه بر آن، یکی از مسائلی که نقش مهمی در کاهش کیفیت رابطه زناشویی دارد، حسادت زناشویی (marital jealousy) است (راینسکی، ۲۰۱۹). طبق نظر فایفر و وونگ (۱۹۸۹) حسادت عاشقانه که با ادراک تهدید فعال می‌شود، ترکیبی از احساسات ناخوشایند است که نشأت گرفته از شرایطی است که افراد آن را تهدیدی برای رابطه قلمداد می‌کنند. افرادی که در این موقعیت قرار می‌گیرند، به احتمال وجود رقیب فکر می‌کنند و این که آن رقیب چه نوع تهدیدهایی ممکن است ایجاد کند. حسادت در رابطه پیامدهای منفی، مانند بی‌اعتمادی و سوءظن، عزت نفس پایین، مشکلات زناشویی، همسرآزاری، بی‌وفایی، نارضایتی از رابطه و نقض تعهدات زناشویی را به دنبال دارد (کیمر و همکاران، ۲۰۱۶؛ پیچون و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به مطالعه هریس و داربی (۲۰۱۰)، افراد دلبسته ایمن آستانه بالایی برای درک فردی به‌عنوان رقیب و تهدیدکننده دارند؛ زیرا به دلیل اعتماد بالا به همسر خود انتظار پایینی برای خیانت یا طرد شدن دارند. در افراد با سبک دلبستگی اضطرابی احساس یکی بودن با همسر بالا است و خود را نیازمند به برقراری رابطه نزدیک با همسر می‌دانند، بنابراین کنترل و چسبندگی نامعقولی دارند (سالکانی، ۲۰۱۵). همچنین در افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به علت تجربه سطوح پایین‌تری از اعتماد، صمیمیت و پایداری در روابط، ممکن است حسادت بالایی را در مواجهه با شرایط برانگیزاننده حسادت، تجربه کنند (هولسنیتز و همکاران، ۲۰۱۸).

زندگی زناشویی رضایت‌بخش بر رضایت افراد در سایر ابعاد زندگی اثرگذار است و رضایت از خانواده، رضایت از زندگی را در پی دارد که سهم بسیاری در سلامت والدین، استحکام زندگی و تربیت نسل‌های آینده دارا است و در نتیجه موجب شکوفایی، پیشرفت مادی و معنوی و در نهایت ارتقای جامعه خواهد شد (زای و همکاران، ۲۰۱۷). علی‌رغم خوشایند بودن پیوند ازدواج، آمارها حکایت از افزایش نرخ طلاق در کشور را دارند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). بنابراین، پژوهش‌های امروزی ضمن پرداختن به علل طلاق، در تلاش هستند تا عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز رضایت از ازدواج را شناسایی کنند (دهقانی و علیزاده، ۱۳۹۳). بسیاری از روان‌شناسان مهم‌ترین عامل موفقیت یا شکست هر ازدواجی را ویژگی‌های شخصیتی زوجین، چگونگی تجربیات دوران کودکی و کیفیت ارتباطی با اعضای

اصلی خانواده‌شان می‌دانند، بنابراین توجه به نیازها و درک دنیای کیفی یکدیگر کیفیت رابطه را بهبود می‌بخشد و ازسوی دیگر باعث می‌شود که زوج‌ها ادراکات مثبت و خوشایندتری از خود، یکدیگر و روابط زناشویی‌شان داشته باشند (رابی و همکاران، ۲۰۱۷). بعضی از متخصصان ازدواج، معتقدند که ارتباط میان زوج‌ها، داد و ستدی هیجانی است. فقدان تنظیم هیجانی در روابط همسران ممکن است باعث سطح بالایی از انگیزتگی هیجانی منفی و آزاردهنده‌ای شود که برای رها شدن از این تجربه ناراحت‌کننده و دردناک رفتارهای مشکل‌آفرینی مثل خشونت کلامی یا جسمی و کناره‌گیری را انجام دهند (فروزی و ایورسون، ۲۰۰۷). با افزایش مشکلات عاطفی و هیجانی، سازگاری زناشویی زوجین کمتر می‌شود و تحمل پریشانی، امکان بهبود و سازگاری مجدد را فراهم می‌آورد (ایرداچسکو و همکاران، ۲۰۲۱). ازطرفی با توجه به پیامدهای منفی مذکور حسادت برای زوجین، در صورتی که حسادت به یک الگوی پایدار در یک رابطه تبدیل شود، منجر به از دست دادن اعتماد و کاهش احساسات مثبت بین زوج‌ها و درنهایت موجب کاهش رضایت زناشویی می‌شود (دندوراند و همکاران، ۲۰۱۴)

بنابراین بررسی عوامل مرتبط با رضایت زناشویی از مهم‌ترین راهکارها جهت ممانعت از فروپاشی ازدواج و حفظ دوام آن است. ضمن توجه به این نکته که الگوهای ابتدایی که در خانواده اصلی شکل می‌گیرد، در روابط بعدی، به خصوص ازدواج تکرار می‌شود و ممکن است زمینه‌ساز بروز انواع مشکلات زناشویی و ارتباطی باشد؛ همچنین میزان تحمل پریشانی و حسادت زناشویی می‌تواند در ایجاد یا افزایش این تعارضات نقش داشته باشند. علاوه بر این در فضای علمی و پژوهشی داخل و خارج از کشور مطالعه‌ای یافت نشد که به تعیین مدل معادلات ساختاری رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تحمل پریشانی و حسادت زناشویی پرداخته باشد. ازاین‌رو به جهت رفع این خلاء پژوهشی، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تحمل پریشانی و حسادت زناشویی تهیه گردید.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

• روش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی با روش مدل معادلات ساختاری است. جامعه پژوهش، شامل تمام افراد متأهل در بازه سنی ۲۲-۵۵ سال است که در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در شهر تهران زندگی می‌کنند و حداقل دو سال از ازدواج آنان می‌گذرد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل ساکن تهران بودن، در بازه سنی ۲۲-۵۵ بودن و تأهل حداقل به مدت دو سال بود و ملاک‌های خروج شامل سکونت نداشتن در تهران، خارج بودن از بازه سنی ۲۲-۵۵، کمتر از دو سال سابقه تأهل و نبود رضایت برای شرکت در

پژوهش بود.

روش نمونه‌گیری به شیوه غیر تصادفی در دسترس و حضور شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت داوطلبانه بود. طبق نظر کلاین (۲۰۲۳) حداقل حجم مناسب نمونه برای مدل معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر است؛ به همین منظور حجم نمونه این پژوهش ۲۵۰ شرکت‌کننده از جامعه آماری مذکور در نظر گرفته شد اما در فرایند پیش‌پردازش داده‌ها به جهت نرمال‌سازی، ۴۵ پرسشنامه از مجموع ۲۵۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده حذف گردید، لذا حجم نمونه نهایی ۲۰۵ نفر (۱۶۳ زن و ۴۲ مرد) بود. پرسشنامه پژوهش حاضر به صورت آنلاین در دسترس شرکت‌کنندگان قرار گرفت و به تمامی آنان، این اطمینان داده شد که اطلاعات به دست آمده محرمانه خواهد بود و اطلاعات هویتی آنها فاش نخواهد شد و در مورد هدف، نحوه اجرا، خطرات و فواید پژوهش توضیحات جامعی ارائه شد. در توضیحات پرسشنامه مذکور، ملاک‌های ورود به پژوهش ذکر شد؛ همچنین این پرسشنامه در حد امکان از طریق شبکه‌های مختلف برای ساکنان تهران ارسال شد.

• ابزارها

الف) سیاهه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH marital inventory- EMI): سیاهه رضایت زناشویی انریچ که توسط السون و همکاران (۱۹۸۹) در ۱۱۵ ماده به جهت شناسایی زمینه‌های بالقوه آسیب‌زا و نقاط قوت رابطه زناشویی تهیه شد؛ شامل ۱۲ مقیاس: پاسخ قراردادی، مسائل شخصیتی، حل تعارض، رضایت زناشویی، نظارت مالی، ارتباط زناشویی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، دوستان و بستگان، ازدواج و فرزندان، نقش‌های مساوات‌طلبی مربوط به مرد و زن و جهت‌گیری عقیدتی است. این ابزار به صورت پنج گزینه‌ای با طیف لیکرت از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱) است. کسب نمره بالا در این سیاهه به معنای رضایت زناشویی فوق‌العاده و نمره پایین در آن به معنای نارضایتی شدید و یا نبود رضایت زناشویی است. در ایران سلیمانیان (۱۳۷۳)، نسخه اصلی این سیاهه را هنجاریابی کرد و تعداد ماده‌های آن را به ۴۷ ماده کاهش داد. با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ اعتبار نسخه اصلی ۱۱۵ ماده‌ای این سیاهه توسط السون و همکاران (۱۹۸۹)، ۰/۹۲ و میزان اعتبار نسخه کوتاه‌شده توسط سلیمانیان (۱۳۷۳)، ۰/۹۵ گزارش شده است. السون و همکاران (۱۹۸۹) در پژوهشی به وسیله یک نمونه تصادفی با ۵۰۳۹ زوج نشان دادند که می‌توان با این سیاهه با دقت ۸۵ تا ۹۵ درصد میان زوج‌های راضی و ناراضی تمایز قائل شد. همچنین در پژوهش مهدویان (۱۳۷۶)، برای بررسی اعتبار این سیاهه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی به فاصله یک‌هفته برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴ و برای مردان و زنان ۰/۹۴ به دست آمد. همچنین در پژوهش عرب‌علیدوستی و همکاران (۱۳۹۴)، دو پرسشنامه رضایت زناشویی کانزاس و نسخه کوتاه‌شده ENRICH مورد ارزیابی قرار گرفتند و ضریب همبستگی آنها ۰/۸۲ به دست آمد که نشان‌دهنده همبستگی بالایی میان آنها است. با توجه به این‌که جامعه پژوهش حاضر صرفاً مختص به متأهلین دارای فرزند نبود، پنج ماده زیرمقیاس فرزندپروری در سیاهه نهایی حذف گردید. ضریب آلفای کرونباخ این سیاهه در پژوهش حاضر ۰/۷۹ به دست آمد.

ب) سیاهه دلبستگی بزرگسال (adult attachment inventory-AAI): این سیاهه با استفاده از مواد مقیاس دلبستگی هازان و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده است و در ارتباط با نمونه‌های دانشجویی و همچنین در جمعیت عمومی ایرانی هنجاریابی صورت گرفته است (بشارت، ۱۳۸۴). این مقیاس دارای ۱۵ ماده است و سه سبک دلبستگی ایمن، دوسوگرا (اضطرابی) و اجتنابی را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) مورد سنجش قرار می‌دهد. ضریب آلفای کرونباخ ماده‌های زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در نمونه‌ای با ۱۴۸۰ شرکت‌کننده (۸۶۰ زن و ۶۲۰ مرد) برای تمامی شرکت‌کنندگان به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۸ و ۰/۸۸؛ برای زنان ۰/۹۰، ۰/۸۷ و ۰/۸۷ و برای مردان ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی خوبی برای این مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله ۴ هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۷؛ برای زنان ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و برای مردان ۰/۸۵، ۰/۸۱، ۰/۷۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است (بشارت، ۱۳۸۴). ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۶ به دست آمد.

ج) مقیاس تحمل پریشانی (distress tolerance scale-DTS): مقیاس تحمل پریشانی، شاخصی خودسنجی برای تحمل پریشانی هیجانی است که توسط سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) در ۱۵ ماده و ۴ خرده‌مقیاس تحمل (توانایی تحمل یک حالت عاطفی)، جذب (میزان جذب توجه فرد توسط هیجان‌ات منفی)، ارزیابی (ارزیابی و پذیرش یک حالت عاطفی) و تنظیم (روش تنظیم هیجانی) ساخته شد. ماده‌های این مقیاس روی مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق (۱) تا کاملاً مخالف (۵) نمره‌گذاری می‌شوند و دامنه نمرات آن میان ۱۵ - ۷۵ است. سیمونز و گاهر (۲۰۰۵)، ضرایب آلفا را برای کل مقیاس ۰/۸۲ و برای ابعاد این مقیاس به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۲، ۰/۷۸ و ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. عزیزی و همکاران (۱۳۸۹)، اعتبار بازآزمایی این مقیاس را ۰/۷۹ و ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۶۷ گزارش کردند. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۴ به دست آمد.

د) مقیاس چندبعدی حسادت (multidimensional jealousy scale-MJS): مقیاس چندبعدی حسادت، توسط فایفر و وونگ (۱۹۸۹) به عنوان معیاری برای سنجش حسادت عاشقانه ساخته شد. این مقیاس از ۲۴ ماده تشکیل شده است که شامل سه زیرمقیاس حسادت شناختی، هیجانی و رفتاری است. هریک از زیرمقیاس‌ها دارای ۸ ماده است و براساس طیف هفت درجه‌ای لیکرت (به این صورت: زیرمقیاس شناختی از همیشه (۱) تا هرگز (۷)، زیرمقیاس هیجانی از بسیار خوشحال (۱) تا بسیار ناراحت (۷) و زیرمقیاس رفتاری از هرگز (۱) تا همیشه (۷)) نمره‌گذاری می‌شود؛ پایایی این ابزار توسط سازنده مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های شناختی، عاطفی و رفتاری به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۵ و ۰/۸۹ و برای کل سه زیرمقیاس ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش رحیمی و صنعت‌نما (۱۴۰۰)، این مقیاس روی نمونه ایرانی از نظر اعتبار بررسی شد و اعتبار آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضرایب ۰/۹۴ - ۰/۸۳ به دست آمد؛ همچنین در پژوهش مذکور برای بررسی روایی مقیاس از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد؛ در نتیجه آن، شاخص‌های برازش مدل و بارهای عاملی ماده‌های مقیاس در بازه مناسب تا مطلوبی قرار داشتند. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۶ به دست آمد.

• یافته‌ها

بالاترین درصدهای فراوانی مربوط به آمار توصیفی پژوهش به این شرح است: بازه سنی ۲۲-۳۰ با ۴۰ درصد، مقطع کارشناسی با ۶۳/۳۰ درصد، مدت زمان تأهل بازه ۲-۵ سال با ۳۵/۱۰ درصد و زوجین بدون فرزند با ۵۰/۳۰ درصد. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش ذکر شده است. با توجه به مطالعه دمیر (۲۰۲۲)، در تحلیل معادلات ساختاری، شرط توزیع نرمال داده‌ها زمانی برقرار است که ارزش عددی کجی و کشیدگی به ترتیب بین ± 2 و ± 3 باشد. با توجه شاخص‌های کجی و کشیدگی به دست آمده، داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	خرده‌مقیاس	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
سبک‌های دل‌بستگی	دل‌بستگی ایمن	۲/۹۶	۰/۷۶	۰/۰۷	-۰/۴۴
	دل‌بستگی اجتنابی	۲/۶۸	۰/۸۴	-۰/۱۰	-۰/۵۴
	دل‌بستگی دوسوگرا	۲/۴۹	۰/۸۰	۰/۴۷	-۰/۱۶
	تحمل	۲/۸۶	۱	۰/۰۰	-۰/۶۰
تحمل پریشانی	جذب	۳/۱۶	۱/۰۶	-۰/۱۸	-۰/۹۳
	ارزیابی	۳/۳۱	۰/۹۷	-۰/۲۰	-۰/۷۳
	تنظیم	۲/۷۹	۱	۰/۰۵	-۰/۷۶
حسادت زناشویی	کل مقیاس	۳/۰۹	۰/۷۹	-۰/۱۱	-۰/۵۵
	شناختی	۶/۰۶	۱/۴۰	-۱/۰۲	۱/۴۳
	هیجانی	۵/۶۱	۱/۰۶	-۱/۲۱	۱/۱۰
	رفتاری	۲/۴۱	۱/۱۶	۰/۹۷	۰/۶۰
	کل مقیاس	۴/۶۹	۰/۷۰	-۱/۱۸	۱/۱۸
	رضایت زناشویی		۳/۶۳	۰/۷۹	-۰/۵۷

با توجه به این که محاسبه ضریب همبستگی به عنوان پیش فرضی جهت انجام تحلیل‌های رگرسیونی و فراهم آوردن تصویر روشنی از متغیرها مورد نیاز است، در جدول ۲ ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش ذکر شده است. نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد ($r = 0/51$ ، $p < 0/001$)، در حالی که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری نشان دادند (به ترتیب $r = -0/43$ و $r = -0/44$ ، $p < 0/001$) همچنین، بین تحمل پریشانی و رضایت زناشویی رابطه‌ای مثبت ($r = 0/41$ ، $p < 0/001$) مشاهده شد، به این معنا که افرادی که توانایی بیشتری در مدیریت پریشانی دارند، از زندگی زناشویی خود رضایت بیشتری دارند. در مقابل، حسادت زناشویی با رضایت زناشویی همبستگی منفی و معناداری داشت ($r = -0/38$ ، $p < 0/001$)، بدین معنا که افزایش حسادت زناشویی با کاهش میزان رضایت از رابطه همراه است. در ادامه با هدف ارزیابی برازش مدل اندازه‌گیری برای هر متغیر، رویی همگرا و پایایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. طبق نظر راجرز (۲۰۲۲)، ماده‌هایی که بار عاملی کمتر از ۰/۳ دارند از تحلیل خارج می‌شوند؛ که در پژوهش حاضر با توجه به ارزیابی بارهای عاملی متغیرهای آشکار سازه‌های پژوهش، بار عاملی هیچ‌یک از ماده‌ها کمتر از ۰/۳ نشد؛ لذا در تحلیل باقی ماندند.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. دلبستگی ایمن	-					
۲. دلبستگی اجتنابی	-۰/۷۵*	-				
۳. دلبستگی اضطرابی	-۰/۵۲*	۰/۵۴*	-			
۴. تحمل پریشانی	۰/۶۰*	-۰/۳۸*	-۰/۳۹*	-		
۵. حسادت زناشویی	-۰/۴۳*	-۰/۴۷*	۰/۵۸*	-۰/۳۳*	-	
۶. رضایت زناشویی	۰/۵۱*	-۰/۴۳*	-۰/۴۴*	۰/۴۱*	-۰/۳۸*	-

در پی بررسی برازش کلی، براساس نتایج به دست آمده در جدول ۳، شاخص کای اسکوتر هنجار شده (CMIN/DF) کمتر از ۵، شاخص تطبیقی (CFI) بالای ۰/۹۰ و مقدار شاخص ریشه میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) نیز به عنوان مهم‌ترین شاخص برازش کلی، برابر با ۰/۰۸ است و نشان می‌دهد که به طور کلی مدل از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل کلی پژوهش

مدل	CMIN/DF	P	GFI	CFI	NFI	RMSEA
مدل مفروض	۴/۹	۰/۰۰۱	۰/۸۱	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۰۸
مدل اشباع شده			۱	۱	۱	
مدل استقلال	۱۴.۲۳	۰/۰۰۱	۰/۰۸	۰	۰	۰/۱۸

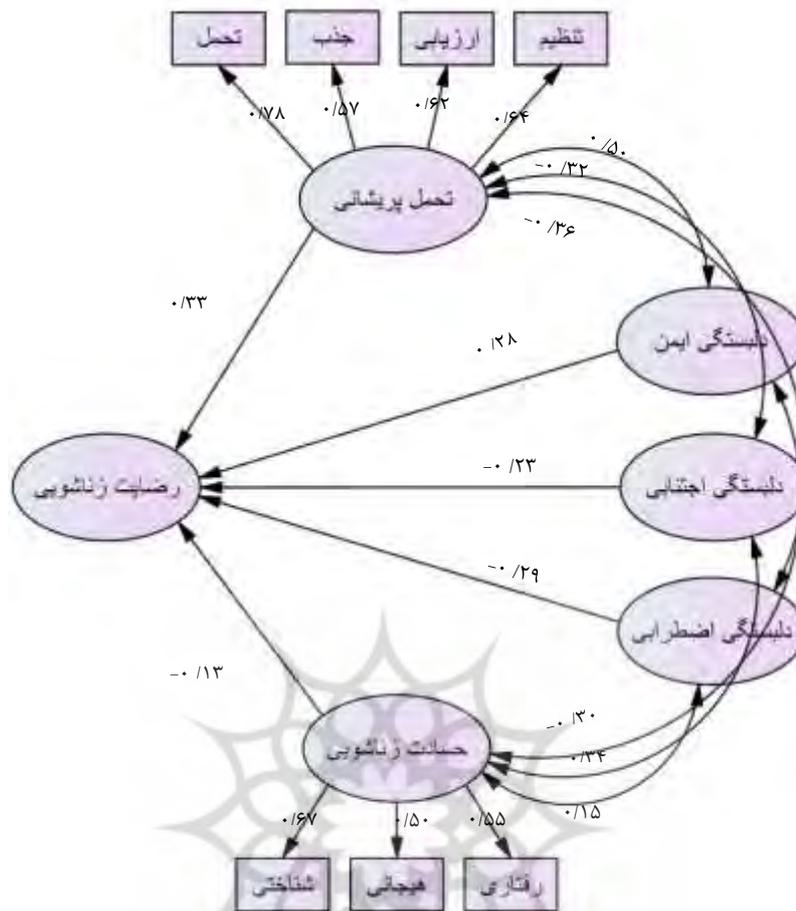
پس از سنجش مدل اندازه‌گیری پژوهش و تأیید اعتبار مدل، مدل ساختاری پژوهش بررسی می‌شود. در جدول ۴ نتایج برازش مدل ساختاری پژوهش نشان داده می‌شود. مدل ساختاری که در آن متغیرهای برون‌زا و پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی، تحمل پریشانی و حسادت زناشویی) و متغیر درون‌زا و ملاک (رضایت زناشویی) هستند، به این صورت است:

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل ساختاری

مدل	CMIN/DF	IFI	CFI	GFI	RMSEA
مدل ساختاری	۳/۷۶	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۰۶
مدل اشباع شده			۱	۱	
مدل استقلال	۱۷.۴۸		۰	۰/۲۲	۰/۲۰

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، ضرایب بتا استاندارد شده متغیرهای پژوهش معنادار است ($p < 0/001$)؛ همچنین با توجه به مدل برازش یافته و انجام آزمون سوبل، نتایج نشان داد که رابطه غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی از طریق تحمل پریشانی برابر ۸/۲۲، رابطه غیرمستقیم سبک دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی از طریق تحمل پریشانی برابر ۶/۹۷، رابطه غیرمستقیم سبک دلبستگی دوسوگرا با رضایت زناشویی از طریق تحمل پریشانی برابر ۱۰/۰۵، رابطه غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی از طریق حسادت زناشویی برابر ۸/۰۹، رابطه غیرمستقیم سبک دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی از طریق حسادت زناشویی

برابر ۷/۱۲، رابطه غیرمستقیم سبک دل‌بستگی دوسوگرا با رضایت زناشویی از طریق حسادت زناشویی برابر ۱۱/۰۸ بود که تمامی آنها از ۱/۹۶ بزرگتر هستند، بنابراین اثر غیرمستقیم به دست آمده از نظر آماری معنادار است.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش

جدول ۵. بررسی فرضیه‌های پژوهش

ضریب رگرسیون (بتا)	سطح معناداری	فرضیه پژوهش
۰/۲۸	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی ایمن ← رضایت زناشویی
-۰/۲۳	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی اجتنابی ← رضایت زناشویی
-۰/۲۹	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی اضطرابی ← رضایت زناشویی
۰/۳۳	۰/۰۰۱	تحمّل پریشانی ← رضایت زناشویی
۰/۵۰	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی ایمن ↔ تحمّل پریشانی
-۰/۳۲	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی اجتنابی ↔ تحمّل پریشانی
-۰/۳۶	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی اضطرابی ↔ تحمّل پریشانی
-۰/۱۳	۰/۰۰۱	رضایت زناشویی ← حسادت زناشویی
-۰/۳۰	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی ایمن ↔ حسادت زناشویی
۰/۳۴	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی اجتنابی ↔ حسادت زناشویی
۰/۱۵	۰/۰۰۱	سبک دل‌بستگی اضطرابی ↔ حسادت زناشویی

• بحث

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی با میانجی‌گری تحمّل پریشانی و حسادت زناشویی بود که با توجه به نتایج پژوهش، سبک دل‌بستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار و سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار رضایت زناشویی می‌باشند؛ این نتایج همسو با پژوهش‌های بلو و همکاران (۲۰۰۸) و صابونچی و همکاران (۱۴۰۰)

است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد با دل‌بستگی ایمن تجسم مثبتی از منبع دل‌بستگی دارند؛ این تجسم مثبت، موجب اعتماد بالاتر به همسر و همدلی بیشتر با او می‌شود و تسلط، احساس ارزشمندی و خودمختاری را در آنان افزایش می‌دهد. توانایی همدلی با تجارب، هیجانات و دیدگاه‌های همسر موجب تسهیل حمایت متقابل و ارتباط مؤثر می‌شود که در نهایت به افزایش رضایت زناشویی منجر می‌شود (طهماسبی و خرم‌آبادی، ۱۴۰۲).

در حالی که سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار رضایت زناشویی هستند. این یافته با نتایج پژوهش‌های بدیر و همکاران (۲۰۲۰) و نیک‌منش و همکاران (۱۴۰۱) همسو است. افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی تمایل به فاصله‌گیری عاطفی دارند و معمولاً احساسات خود را به سختی بیان می‌کنند و ممکن است در مواقع بحرانی از گفتگو درباره مشکلات خود اجتناب کنند که می‌تواند باعث شود مشکلات، حل نشده باقی بمانند و موجب کاهش رضایت زناشویی شود. همچنین این نتایج همسو با پژوهش‌های کندل (۲۰۱۹) و غفوریان‌قهرمانی و مهدویان (۱۴۰۰)، است. افراد با سبک دل‌بستگی اضطرابی در ارتباط با ارزشمند بودن و دوست‌داشتنی بودن خود دچار تردید هستند و گوش‌به‌زنگی مداومی نسبت به طردشدن از سوی همسر دارند که موجب بروز رفتارهای چسبندگی و کنترل همسر می‌شود که در درازمدت، سردی روابط و کاهش رضایت زناشویی را به دنبال دارد. همچنین با پژوهش برخوردار و شهبازی (۱۴۰۲)، ناهمسو است؛ زیرا در این پژوهش رابطه مستقیم دل‌بستگی نایمن به رضایت زناشویی معنادار نشد و سبک دل‌بستگی اضطرابی از طریق میانجی‌گری مثبت اندیشی و ذهن‌آگاهی توانست بر رضایت زناشویی تأثیر داشته باشد. تفاوت‌های فردی و زمینه‌ای می‌تواند در نتایج متفاوت این مطالعات نقش داشته باشد. هر فرد با ویژگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خاص خود به روابط نزدیک می‌شود. افراد با دل‌بستگی نایمن، بسته به میزان مهارت‌های اجتماعی، کیفیت روابط قبلی و سطح حمایت اجتماعی، ممکن است پیامدهای متفاوتی در رضایت زناشویی تجربه کنند. برای برخی، نایمندی دل‌بستگی ممکن است از طریق سازوکارهای جبرانی مانند افزایش آگاهی هیجانی یا راهبردهای ارتباطی مؤثر، کمتر تأثیر منفی بگذارد.

از آنجایی که سبک دل‌بستگی تعیین‌کننده بخشی از شیوه نگرش فرد نسبت به مسائل و زمینه‌ساز نحوه برخورد او با مشکلات زندگی است، می‌تواند واکنش‌های او را در برابر ناکامی‌ها و پریشانی‌ها جهت دهد (پیرامی و قدیمی باویل‌علیانی، ۱۴۰۲). با توجه به یافته حاصله، سبک دل‌بستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تحمل پریشانی و سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار تحمل پریشانی هستند که این یافته همسو با پژوهش محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، است. افرادی که روابط دل‌بستگی محور ایمنی دارند می‌توانند عملکرد انطباقی بالاتری داشته باشند و ثبات روانی را در موقعیت‌های پریشان‌کننده و استرس‌آور حفظ کنند و در نتیجه تحمل پریشانی بالاتری داشته باشند (دی‌گیسپه و همکاران، ۲۰۱۹).

در حالی که افرادی که مراقبان به اندازه کافی خوب ندارند؛ نه تنها قادر به حل تعارضات خود هنگام پریشانی نیستند، بلکه به دلیل تجربه مراقبت ضعیف، منابع مقابله‌ای کافی ندارند، که منجر به کاهش تحمل پریشانی می‌شود (تخیری و همکاران، ۲۰۲۱). که این نتیجه با پژوهش‌های اخوان عبیری و همکاران (۱۳۹۷)، محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، ابراهیمی و عابد (۱۴۰۲) و محسن‌پور و همکاران (۲۰۲۳) همسو است. افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی، دوری‌گزین هستند و نسبت به برقراری رابطه احساس امن بودن و راحتی نمی‌کنند و به‌عنوان یک منبع حمایتی قابل اطمینان، کمتر به همسر خود تکیه می‌کنند همچنین افراد با سبک دل‌بستگی اضطرابی ممکن است در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا احساس پریشانی بیشتری داشته باشند که این احساس پریشانی می‌تواند ناشی از نگرانی در مورد ازدست‌دادن روابط نزدیک باشد که موجب تشدید پریشانی می‌شود (کسیدی و شیور، ۱۹۹۹)؛ پایین بودن توانمندی‌های روان‌شناختی از عوامل اساسی ضعف و شکست در روابط زناشویی است؛ طبق نتایج پژوهش حاضر تحمل پریشانی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار رضایت زناشویی است. پژوهش میرگین و کوردوا (۲۰۰۷)، نشان داد که ناتوانی در تنظیم هیجان و سطوح پایین تحمل پریشانی، با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. زوجینی که نمی‌توانند فشارهای زندگی و چالش‌های پریشان‌کننده را به‌صورت منطقی مدیریت کنند و به‌جای پذیرش و تمرکز بر مشکلات برای یافتن راه‌حل بهتر، از شیوه‌های اجتنابی و اضطراب‌آور استفاده می‌کنند، ممکن است با تشدید استرس‌های زندگی زناشویی، توان کمتری برای تحمل پریشانی از خود بروز دهند که این مسئله پیامدهای منفی بسیاری برای کیفیت روابط زناشویی آنان به‌همراه دارد. به‌همین علت است که در روش‌های مبتنی بر دل‌بستگی با آموزش مهارت‌هایی جهت برقراری

روابط مطلوب بین فردی و برقراری روابط عاطفی و زناشویی سالم، عمیق و سازگارانه به زوجین کمک می‌کنند تا در مدیریت پریشانی‌های هیجانی و بهبود ویژگی‌های روان‌شناختی خود و اعضای خانواده به صورت سازنده‌تر عمل کنند (قنوتی و همکاران، ۱۴۰۳). از دیگر یافته‌های پژوهش این است که سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار حسادت زناشویی است که این یافته همسو با پژوهش‌های مارشال و همکاران (۲۰۱۳) و فلاح‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، است و سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار حسادت زناشویی می‌باشند. در زمینه سبک دلبستگی اجتنابی این یافته با پژوهش کاراکورت (۲۰۱۲) همسو و با پژوهش‌های باربارو و همکاران (۲۰۱۶) و هولسنیتز و همکاران (۲۰۱۸)، ناهمسو است، زیرا ممکن است افراد با این نوع دلبستگی به علت فاصله‌گیری عاطفی از دیگران و پیوند ضعیف با آنان، کمتر نسبت به همسر خود حسادت کنند. همچنین در زمینه سبک دلبستگی اضطرابی این یافته همسو با پژوهش‌های رودریگز و همکاران (۲۰۱۵) و فلاح‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، است. این یافته با ادبیاتی مطابقت دارد که نشان می‌دهد نظام دلبستگی و حسادت در کارکرد مشترک حفظ روابط و احساس امنیت فرد در مورد آنها سهیم هستند (شارپستین و کرک پاتریک، ۱۹۹۷). بنابراین، هر دو سیستم دلبستگی و حسادت احتمالاً توسط رویدادهایی ایجاد می‌شوند که رابطه یا توانایی درک‌شده فرد برای حفظ آن را تهدید می‌کنند. در این رابطه افراد با سبک دلبستگی ایمن به دلیل اعتماد بالا نسبت به همسر و اعتماد به ارزشمندی خود آستانه بالاتری برای درک فردی به عنوان تهدیدکننده روابط دارند که موجب مدیریت بهتر چالش‌های برانگیزاننده حسادت می‌شود، در حالی که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی ممکن است در اعتماد به شریک عاطفی خود دچار مسئله باشند که این نبود اعتماد می‌تواند به افزایش حسادت منجر شود. همچنین حسادت می‌تواند به عنوان یک راه دفاعی برای حفظ فاصله عاطفی و حفظ حس کنترل عمل کند. در واقع حسادت عاشقانه در این افراد می‌تواند نتیجه ترکیبی از مکانیزم‌های عاطفی و روانی باشد که ناشی از مشکلات در اعتماد، وابستگی و مدیریت احساسات است؛ همچنین در افراد با سبک دلبستگی اضطرابی به علت گوش‌به‌زنگی مداوم به طرد، نسبت به محرک‌های برانگیزاننده حسادت واکنش بیشتری نشان می‌دهند و در واقع حسادت برای آنها ندای جدایی از همسر را به همراه دارد.

حسادت در یک رابطه زناشویی با مجموعه‌ای از هیجانات منفی مانند اضطراب، ناامنی، عصبانیت، ترس، غم و ناامیدی همراه است که می‌تواند تأثیر مخربی بر روابط زناشویی داشته باشد. طبق نتایج پژوهش حاضر حسادت زناشویی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار رضایت زناشویی است که با پژوهش‌های ارشد و عمران (۲۰۲۲) و بوان (۲۰۰۸)، همسو است. از آنجایی که حسادت موجب تجربه احساسات منفی بسیاری برای فرد است و شامل تلاش‌های هدفمند برای تأثیرگذاری بر خود یا همسر، حفظ رابطه و بازگرداندن اعتماد به نفس به فرد از طریق نظارت و کنترل بیشتر بر همسر است، می‌تواند منجر به تهدیدات فیزیکی، مشکلات ارتباطی و در نهایت کاهش رضایت زناشویی و حتی تمایل به جدایی گردد (شفیعی و اعتمادی، ۲۰۱۸). هم‌راستا با آنچه ذکر شد، در این پژوهش سبک‌های دلبستگی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری حسادت زناشویی اثر غیر مستقیم و معنادار داشتند؛ همان‌طور که در پژوهش دندوراند و لافونتن (۲۰۱۴)، دلبستگی عاشقانه به عنوان تعدیل‌کننده رابطه بین جنبه‌های خاصی از حسادت و رضایت زوج در نظر گرفته شده بود، نتایج آن نشان داد افرادی که دلبستگی اضطرابی بالاتری دارند ممکن است بدون در نظر گرفتن وجود یا نبود تهدیدهای رابطه، افکار مربوط به حسادت را بیشتر تجربه کنند و این مسئله روابط زناشویی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

• نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی رضایت زناشویی از طریق سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تحمل پریشانی و حسادت زناشویی پرداخته شد؛ که با توجه به نتایج به دست آمده، سبک‌های دلبستگی قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق تحمل پریشانی و حسادت زناشویی هستند. پس درک سبک‌های دلبستگی، اهمیت تحمل پریشانی و تأثیرات آنها بر رفتار و احساسات افراد و حسادت زناشویی به عنوان مسئله‌ای مهم و قابل توجه در زندگی زناشویی، می‌تواند به زوج‌ها کمک کند تا ارتباطات مؤثرتری برقرار کرده و کیفیت رابطه خود را افزایش دهند و در نهایت رضایت بیشتری از رابطه خود داشته باشند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تعداد زیاد ماده‌ها در پرسشنامه‌ها اشاره کرد که ممکن است باعث خستگی شرکت‌کننده و پاسخگویی با دقت ناکافی باشد؛ در این صورت ممکن است داده‌های جمع‌آوری شده به خوبی بازتاب دهنده ویژگی‌های شرکت‌کنندگان

نباشد و باعث اختلال در تجزیه و تحلیل داده‌ها شود و در نهایت اثر سویی بر تعمیم‌پذیری یافته‌ها داشته باشد. در ضمن نمونه پژوهش حاضر مربوط به شهر تهران است، لذا ممکن است تعمیم‌پذیری آن را محدود کند. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش به منظور افزایش توانایی تعمیم‌پذیری در شهرهای دیگر، نمونه‌های بزرگ‌تر و به کمک سایر روش‌های نمونه‌گیری اجرا شود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش را در سایر شهرهای کشور انجام داد تا قابلیت تعمیم‌پذیری بالاتری حاصل شود و از سایر روش‌های نمونه‌گیری به جهت افزایش اعتبار پاسخ شرکت‌کنندگان و ارزیابی مؤثرتر بهره برد. همچنین به جهت افزایش دقت یافته‌ها و بررسی اثر سن و مدت زمان ازدواج بر رضایت زناشویی پیشنهاد می‌شود که بازه سنی محدودتر و مدت زمان تأهل مشخصی جهت ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش در نظر گرفته شود. با توجه به یافته‌های به دست آمده، مشاوران در حوزه زوج و خانواده می‌توانند از نتایج پژوهش حاضر به جهت ارتقای رضایت زناشویی مراجعین خود بهره ببرند و در برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج می‌توان در زمینه سبک‌های دلبستگی، تحمل پریشانی و حسادت زناشویی و میزان مشارکت آنها در رضایت زناشویی آموزش‌هایی داده شود. همچنین آموزش‌هایی به افراد متأهل در حوزه تحمل پریشانی و حسادت زناشویی می‌تواند در کاهش تعارضات و بهبود رضایت زناشویی آنها اثرگذار باشد.

• تضاد منافع

این پژوهش برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته است.

• تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمام شرکت‌کنندگانی که در پژوهش حاضر همکاری کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

• منابع

- ابراهیمی، گلنوش، عابد، نازنین. (۱۴۰۲). پیش‌بینی تاب‌آوری از سبک‌های دلبستگی و تنظیم شناختی هیجان زنان دارای تجربه سوگ همسر. *مجله روان‌شناسی*، ۲(۲۷)، ۲۲۳-۲۱۵.
- آتش‌پور، سیدحمید، دلفروزی، فرزانه. (۱۴۰۳). بررسی نقش میانجی تحمل پریشانی در رابطه بین شیوه‌های حل تعارض با سازگاری زناشویی در زنان متأهل. *سلامت روان در مدرسه*، ۶(۲)، ۶۵-۵۲.
- اخوان عبیری، فاطمه، شعیری، محمدرضا، غلامی فشارکی، محمد. (۱۳۹۷). روابط ساختاری سبک دلبستگی با پریشانی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان. *روان‌شناسی بالینی*، ۱۰(۳)، ۷۶-۶۳.
- برخوررداری، مهتاب، شهبازی، امیرحسین. (۱۴۰۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای ذهن‌آگاهی و مثبت‌اندیشی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۲(۳)، ۲۰۸-۱۹۹.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بیرامی، منصور، قدیمی باویل‌علیانی، نگار. (۱۴۰۲). روابط ساختاری سبک‌های دلبستگی و نشانه‌های افسردگی اساسی نوجوانان با واسطه‌گری تحمل پریشانی و انعطاف‌پذیری شناختی. *مجله روان‌شناسی*، ۲(۲۷)، ۱۴۳-۱۳۴.
- تخیری، محمودرضا، فخری، محمداکظم، حسن‌زاده، رمضان. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین روابط ابژه با تحمل پریشانی هیجانی در دانشجویان دانشکده پرستاری تهران. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۲۱، ۳۰۷-۲۹۷.
- دهقانی، مرضیه، و غلیزاده، یاسمن. (۱۳۹۳). تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و رضامندی زناشویی معلمان. *نشریه علوم رفتاری*، ۶(۲۱)، ۹۰-۷۳.
- رحیمی، چنگیز، صنعت‌نما، ملیکا. (۱۴۰۰). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه حسادت چندبعدی در نمونه ایرانی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۲۰(۱۰۰)، ۵۱۰-۵۰۳.
- صابونچی، فرانک، دوکانه‌ای‌فرد، فریده، بهبودی، معصومه. (۲۰۲۰). الگوی ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری زندگی در زنان متأهل: با نقش واسطه‌ای هیجان خواهی. *خانواده درمانی کاربردی*، ۳(۱)، ۱۲۰-۱۰۲.
- طهماسبی، حسین، خرم‌آبادی، یداله. (۱۴۰۳). بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی توافق‌پذیری، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی بر رضایت زناشویی در زنان متأهل. *مجله روان‌شناسی*، ۱(۲۸)، ۱۱-۱.

- عرب علیدوستی، علیرضا، نخعی، نوزر، خانجانی، نرگس. (۱۳۹۴). پایایی و روایی پرسشنامه‌های رضایت زناشویی کانزاس و اینریچ کوتاه‌شده به زبان فارسی. *بهداشت و توسعه*، ۴(۲)، ۱۶۷-۱۵۸.
- عزیزی، علیرضا، میرزایی، آزاده و شمس، جمال (۱۳۸۹). بررسی رابطه تحمل آشفتگی و تنظیم هیجانی با میزان وابستگی دانشجویان به سیگار. *مجله پژوهشی حکیم*، ۱(۱۱)، ۱۳-۱۸.
- غفوریان‌قهرمانی، صفورا، مهدویان، علیرضا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای متغیرهای همدلی، تعهد زناشویی و سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل شهر تهران. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۹(۲)، ۷۱-۸۰.
- فلاح‌زاده، هاجر، اسعدی، مهران، وفا، مصطفی و حمیدی، امید. (۱۴۰۱). پیش‌بینی حسادت زناشویی بر اساس مولفه‌های خودتمایزسازی و سبک‌های دلبستگی. *خانواده‌پژوهی*، ۱۸(۳)، ۵۳۵-۵۵۰.
- قربان پورلقمانی، امیر، دهقان، فاطمه، کریمی، فاطمه، و رضایی، سجاد. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های دلبستگی، سبک‌های عشق‌ورزی و ابرازگری هیجان در پیش‌بینی شادکامی معلمان متأهل. *پژوهشنامه روان‌شناسی مثبت*، ۵(۴)، ۱۵-۳۴.
- قنواتی، معصومه، جوهری‌فرد، رضا، احتشام‌زاده، پروین. مقایسه اثربخشی خانواده درمانی مبتنی بر هیجان و مبتنی بر دلبستگی بر تحمل پریشانی هیجانی، خودتمایز یافتگی و ناگویی خلقی در نوجوانان دختر مبتلا به اختلال‌های روان‌تنی. (۱۴۰۳). پویایی روان‌شناختی در اختلال‌های خلقی. ۳(۴)، ۱۳۹-۱۵۲.
- محمودپور، عبدالباسط، دهقانپور، ثنا و وظیفه‌دان، فرشته. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تحمل پریشانی بر اساس سبک‌های دلبستگی، تحمل ناکامی و نگرش مذهبی در زنان مطلقه. *نشریه علمی رویش روان‌شناسی*، ۹(۴)، ۹۳-۱۰۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۳). سالنامه آماری کشور ۱۴۰۲. *انتشارات دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل*، ص ۱۷۰.
- <https://amar.org.ir/salnameh-amari>
- نیک‌منش، احسان، روشن‌چسلی، رسول، فراهانی، حجت‌الله، و صادقی، منصوره‌سادات. (۱۴۰۱). رابطه سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای تعدیل‌شده رفتارهای دلبستگی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۷(۶۸)، ۳۰۷-۳۱۷.
- Arshad, A., & Imran, H. (2022). Partner phubbing, romantic jealousy and marital satisfaction among married individuals. *Applied Psychology Review*, 1(2), 2-16.
- Azizi, M., Haji-Alizadeh, K., & Fallahi Shah-Abadi, N. (2023). Relationship between Marital Satisfaction and Attachment Style: The Mediating Role of Mentalization and Boredom. *International Journal of Behavioral Sciences*, 17(1), 8-15.
- Barbaro, N., Pham, M. N., Shackelford, T. K., & ZEIGLER-HILL, V. I. R. G. I. L. (2016). Insecure romantic attachment dimensions and frequency of mate retention behaviors. *Personal Relationships*, 23(3), 605-618.
- Bedair, K., Hamza, E. A., & Gladding, S. T. (2020). Attachment style, marital satisfaction, and mutual support attachment style in Qatar. *The Family Journal Research*, 28(3), 329-336.
- Bello, R. S., Brandau-Brown, F. E., & Ragsdale, J. D. (2008). Attachment style, marital satisfaction, commitment, and communal strength effects on relational repair message interpretation among remarried. *Communication Quarterly*, 56(1), 1-16.
- Bevan, J. L. (2008). Experiencing and communicating romantic jealousy: Questioning the investment model. *Southern Communication Journal*, 73(1), 42-67.
- Bookwala, J. (2011). Marital quality as a moderator of the effects of poor vision on quality of life among older adults. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 66, 605-616.
- Bowlby, J. (1969). Attachment and loss, Vol. 1: Attachment. New York: Basic Books.
- Brandão, T., Matias, M., Ferreira, T., Vieira, J., Schulz, M. S., & Matos, P. M. (2020). 101 Attachment, emotion regulation, and well-being in couples: Intrapersonal and interpersonal associations. *Journal of Personality*, 8(4), 748-761.
- Candel, O. S., & Turliuc, M. N. (2019). Insecure attachment and relationship satisfaction: A meta-analysis of actor and partner associations. *Personality and Individual Differences*, 147, 190-199.
- Cassidy, J., & Shaver, P.R. (1999). Handbook of attachment: Theory, research and clinical applications. New York: Guilford Press
- Crum AJ, Jamieson JP, Akinola M. (2020). Optimizing stress: An integrated intervention for regulating stress responses. *Emotion*, 20(1), 120-125.
- Dandurand, C., & Lafontaine, M. F. (2014). Jealousy and couple satisfaction: A romantic attachment perspective. *Marriage & Family Review*, 50(2), 154-173.
- Demir, S. (2022). Comparison of normality tests in terms of sample sizes under different skewness and Kurtosis coefficients. *International Journal of Assessment Tools in Education*, 9(2), 397-409.
- Di Giuseppe, M., Ciacchini, R., Piarulli, A., Nepa, G., & Conversano, C. (2019). Mindfulness dispositions and defense style as positive responses to psychological distress in oncology professionals. *European Journal of Oncology Nursing*, 40, 104-110.
- Fraley, RC., & Shaver, PR. (2018). Attachment theory and its place in contemporary personality theory and research. *Theory and Research* (3rd Edition). New York: Guilford Press.

- Fruzzetti, A. E. & Iverson, K. M. (2007). Intervening with couples and families to treat emotion dysregulation and psychopathology. In D. K. Snyder, J. A. Simpson, & J. N. Hughes (Eds.), *Emotion regulation in couples and families: Pathways to dysfunction and health* (pp. 249-267). Washington, DC: American psychological.
- Harris, C. R., and Darby, R. S. (2010). "Jealousy in adulthood," in *Handbook of Jealousy: Theory, Research, and Multidisciplinary Approaches*. eds. L. Hart and M. Legerstee (Chichester: Wiley Blackwell), 547-571.
- Hawkins, M. W., Carrère, S., & Gottman, J. M. (2002). Marital sentiment override: Does it influence couples' perceptions? *Journal of Marriage and Family*, 64(1), 193-201.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Huelsnitz, C. O., Farrell, A. K., Simpson, J. A., Griskevicius, V., & Szepeswol, O. (2018). Attachment and jealousy: Understanding the dynamic experience of jealousy using the response escalation paradigm. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 44(12), 1664-1680.
- Iordachescu DA, Gica C, Vladislav EO, Panaitecu AM, Peltecu G, Furtuna ME, Gica N. (2021). Emotional disorders, marital adaptation and the moderating role of social support for couples under treatment for infertility. *Ginekologia Polska*, 92(2), 98-104.
- Karakurt, G. (2012). The interplay between self-esteem, feeling of inadequacy, dependency, and romantic jealousy as a function of attachment processes among Turkish college students. *Contemporary Family Therapy*, 34, 334-345.
- Kemer, G., Bulgan, G., & Yıldız, E. Ç. (2016). Gender differences, infidelity, dyadic trust, and jealousy among married Turkish individuals. *Current Psychology*, 35(3), 335-343.
- Kline, R. B. (2023). Principles and practice of structural equation modeling. *Guilford publications*.
- Kołodziej-Sarzyńska, M., Majewska, M., Juchnowicz, D., & Karakuła-Juchnowicz, H. (2019). Risk factors of suicide with reference to the theory of social integration by Émile Durkheim. *Psychiatry Pol*, 865-881
- Leopold, T., & Kalmijn, M. (2016). Is divorce more painful when couples have children? Evidence from long-term panel data on multiple domains of well-being. *Demography*, 53(6), 1717-1742.
- Leyro, T. M. Zvolensky, M. J. & Bernstein, A. (2010). Distress tolerance and psychopathological symptoms and disorders: a review of the empirical literature among adults. *Psychological bulletin*, 136(4), 576-600.
- Marshall, T. C., Bejanyan, K., Di Castro, G., & Lee, R. A. (2013). Attachment styles as predictors of Facebook-related jealousy and surveillance in romantic relationships. *Personal relationships*, 20(1), 1-22.
- Mernitz, S. E., & Kamp Dush, C. (2016). Emotional health across the transition to first and second unions among emerging adults. *Journal of Family Psychology*, 30(2), 233-244.
- Mirgain, S. A., & Cordova, J. V. (2007). Emotion skills and marital health: The association between observed and self-reported emotion skills, intimacy, and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26(9), 983-1009.
- Mohsenpour, S., Alaei khorayem, S. & Heydari Razi abad, N. (2023). [The Role of Object Relations in Predicting Emotional Expression, Distress Tolerance and Marital Quality. *Journal of Family Relations Studies*, 3 (9): 46-52.
- Olson, D. H., & Fowers, B. J. (1989). ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment. *Journal of marital and family therapy*, 15, 65-79.
- Pfeiffer, S. M., & Wong, P. T. (1989). Multidimensional jealousy. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6(2), 181-196.
- Pichon, M., Treves-Kagan, S., Stern, E., Kyegombe, N., Stöckl, H., & Buller, A. M. (2020). A mixed-methods systematic review: infidelity, romantic jealousy and intimate partner violence against women. *International journal of environmental research and public health*, 17(16), 5682-5717.
- Robey, P. A., Wubbolding, N. R. E., & Carlson, J. (2017). *Contemporary issues in couples counseling: choice theory and reality therapy approach*. New York: Rutledge.
- Rodriguez, L. M., DiBello, A. M., Øverup, C. S., & Neighbors, C. (2015). The price of distrust: Trust, anxious attachment, jealousy, and partner abuse. *Partner abuse*, 6(3), 298-319.
- Rogers, P. (2022). Best practices for your exploratory factor analysis: A factor tutorial. *Revista de Administração Contemporânea*, 26(06), e210085.
- Rubinsky, V. (2019). Identity gaps and jealousy as predictors of satisfaction in polyamorous relationships. *Southern Communication Journal*, 84(1), 17-29.
- Salcuni, S. (Ed.). (2015). *Attachment Assessment in treatments, prevention and intervention programs*. Frontiers Media SA.
- Salvatore, J. E., Gardner, C. O., & Kendler, K. S. (2020). Marriage and reductions in men's alcohol, tobacco, and cannabis use. *Psychological medicine*, 50(15), 2634-2640.
- Shafiee, Z., & Etemadi, O. (2018). Predicting desire to betrayal based on romance jealous and sensation seeking in married women. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 20(2), 93-100.
- Sharpsteen, D. J., & Kirkpatrick, L. A. (1997). Romantic jealousy and adult romantic attachment. *Personality Processes and Individual Differences*, 72, 627-640.
- Shaver, P. R., & Mikulincer, M. (2007). Attachment theory and research: Core concepts, basic principles, conceptual bridges. In A. W. Kruglanski & E. T. Higgins (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (pp. 650-677). The Guilford Press.
- Simons, J. S. & Gaher, R. M. (2005). The Distress Tolerance Scale: Development and validation of a self-report measure. *Motivation and Emotion*, 29(2), 83-102.
- Soleimani A. (1996) Investigation of irrational thinking based on cognitive approach to marital dissatisfaction [dissertation]. Faculty of Psychology and Educational Sciences. Kharazmi University of Tehran.

- Whisman, M. A., Gilmour, A. L., & Salinger, J. M. (2018). Marital satisfaction and mortality in the United States adult population. *Health psychology*, 37(11), 10-41.
- Wild, M. G., Herbert, M. S., & Creech, S. (2024). Longitudinal associations of physical and emotional distress tolerance with pain intensity and pain-related disability in United States veterans. *The Journal of Pain*, 25(4), 60-61.
- Xie, J., Shi, Y., & Ma, H. (2017). Relationship between similarity in work-family centrality and marital satisfaction among dual-earner couples. *Personality and Individual Differences*, 113, 103-108.

